

نقش مستی در زوال مسئولیت کیفری سیستم های دارای هوش مصنوعی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۵/۱۰)

دکتر محمود حبیبی تبار^۱

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

مهرناز روزبهانی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

نوآوری فناوری استثنایی هوش مصنوعی باعث تولد ربات‌ها شده است. نوآوری ربات‌ها در حال حاضر به عنوان بزرگ‌ترین انقلاب فناوری در نظر گرفته می‌شود که چالش‌های جدیدی را پیش روی قانونگذاران برای مقابله با آن قرار داده است. در حال حاضر این ربات‌ها جایگزین نیروی کار انسانی شده‌اند و همچنین چندین فعالیت را با دقت و هوشمندی مناسب انجام می‌دهند. اما انسان باهوش‌ترین موجود روی زمین به حساب می‌آید که دارای ذهنیت منطقی و معقول است و در ادامه این انسان با به کارگیری هوش در آن انسان مصنوعی ساخته است. از آنجایی که تعاملات انسانی با این ربات‌های پیشرفته در حال افزایش است، مسائل حقوقی جدید متفاوتی در حال ظهور است و یکی از آنها تعیین مسئولیت این نهاد هوش مصنوعی است. انسان‌ها پدرخوانده ربات‌ها این ربات‌ها را برای هدف خود برنامه‌ریزی کرده‌اند و در حین انجام فعالیت‌ها، اگر ربات‌ها مرتکب خطای مجرمانه شوند، این سوال پیش می‌آید که چه کسی مسئول چنین اشتباهی است، برنامه‌نویس، کاربر یا خود ربات؟ ما هیچ پاسخ قانونی مناسبی در رابطه با این مشکل حقوقی نداریم. هدف اصلی این مقاله بررسی عامل رافع مسئولیت کیفری مستی در قبال هوش مصنوعی ربات‌هاست. در این تحقیقی ابتدا حالت مستی ربات‌ها تعریف شده و دو حالت عمدی و غیر عمدی بودن طبق قانون مجازات اسلامی بررسی شد. سپس انواع مجازات‌ها برای ربات‌ها تشریح گردید. نتایج نشان داد که مستی ربات‌ها زمانی می‌تواند رافع مسئولیت کیفری شود که ربات به صورت غیرارادی هوش خود را به طور موقت زایل کرده باشد و در این حین دچار جرمی شده باشد که از مستی ناشی شده است. حال اگر ثابت شود مستی ربات از طرف عامل انسانی انجام شده است، کلیه مسئولیت کیفری به عهده عامل انسانی خواهد بود.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، مستی، ربات، هوش مصنوعی

بخش اول: کلیات و مفاهیم اولیه

ما در مرحله انقلاب تکنولوژیک زندگی می‌کنیم و این فناوری‌های پیچیده تأثیر عمده‌ای در توسعه جامعه مدرن دارند. در عصر نوسازی فناوری، هوش مصنوعی^۱ به عنوان یک چالش انقلابی جدید برای روشنفکران جهان در حال ظهور است. هوش مصنوعی مفهومی بسیار جدید و پویا است و نمی‌توان تعریف دقیقی از این عبارت را بیان کرد. تعامل انسان و هوش مصنوعی سوالات هیجان‌انگیز جدیدی را مطرح می‌کند و پاسخ به این سوالات قطعاً آینده بهتری را در دهه‌های آینده رقم خواهد زد (Gless, ۲۰۱۶). هوش مصنوعی هنر ایجاد ماشین‌هایی است که عملکردهایی را انجام می‌دهند که در صورت انجام توسط هر شخصی شامل هوش می‌شوند. ظهور ربات‌ها یکی از بهترین هنرهای هوش مصنوعی است. انسان‌ها سیستم کامپیوتری را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌اند^۲ که ربات‌ها^۳ می‌توانند فعالیت خاصی را با هوش مناسب انجام دهند، همانطور که هر انسانی می‌تواند آن را انجام دهد. تنظیم فعالیت ربات کار دشواری است که قانونگذار ما در دهه‌های آینده با آن روبرو خواهد بود. در حال حاضر ربات‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای را در بخش‌های مختلف از جمله تولید و ساخت در شرکت‌های چند ملیتی، درمان پزشکی و فعالیت‌های دفاعی و غیره انجام می‌دهند (Hallevy, ۲۰۱۳). در حین انجام این فعالیت‌ها، گاهی ربات‌ها مرتکب اشتباهات شدید از جمله مرگ می‌شوند. اولین قتل رباتیک در تاریخ در سال ۱۹۸۱ ثبت شد، کنجی اودارا^۴، یک مهندس در حال انجام کارهای تعمیر و نگهداری معینی روی ربات در کارخانه صنایع سنگین کاوازاکی بود. او در حین انجام کارهای تعمیر و نگهداری، گمان می‌برد که ربات را خاموش کرده است اما با ورود به منطقه ممنوعه خط تولید، ربات او را به عنوان مانعی در روند ساخت شناسایی کرد و بلافاصله با بازوهای هیدرولیک قدرتمند خود او را به بیرون پرتاب کرد. و او درگذشت (Hallevy, ۲۰۱۰). وقتی رباتی به انسان آسیب می‌زند، آیا دلیلی وجود دارد که آن را از نظر کیفری برای رفتار نادرست خود مسئول بدانیم؟ بله، مشروط بر اینکه ربات بتواند دلایل تصمیمات اخلاقی خود را اتخاذ کند، عمل کند و به آن‌ها ارتباط برقرار کند (Gless,

^۱ Artificial intelligence

^۲ Computerized

^۳ Robot

^۴ Kenji Ubara

۲۰۱۶). اگر چنین رباتی نتواند حداقل استانداردهای اخلاقی را که جامعه از آن می‌خواهد رعایت کند، برچسب زدن به عنوان یک جنایتکار می‌تواند به طور مؤثری وظیفه قانون کیفری را برای محکوم کردن رفتار نادرست و کاهش آسیب‌های عاطفی که ممکن است به قربانیان انسانی وارد شود، انجام دهد (Osmani, ۲۰۲۰). نمونه دیگری از فناوری رباتیک، سوفیا بات^۱ که توسط توسعه دهنده هوش مصنوعی دیوید هانسون^۲ در شرکت هانسون رباتیکس^۳ ساخته شد. او اولین ربات انسان نمای اجتماعی است که تابعیت عربستان سعودی را دریافت کرده است. سوفیا هنگام اعلام وضعیت جدید خود گفت: "من بسیار ممتاز و به این تمایز استثنایی افتخار می‌کنم. این لحظه تاریخی برای من است که اولین ربات در جهان باشم که تابعیت خود را به رسمیت می‌شناسد". سوفیا در مجلات معروف مختلف دارای شوخ طبعی و احساسات است و می‌خواهد از انسانیت محافظت کند. سوالی که لازم است پرسیده شود که اگر سوفیا در طول فعالیت مرتکب هر گونه تخلف مجرمانه‌ای شود، چه کسی مسئول آن خواهد بود. آیا آقای دیوید هانسون، خالق سوفیا مسئول تمام فعالیت‌های خود خواهد بود یا خود سوفیا مسئول فعالیت‌های او خواهد بود، زیرا او شهروند قانونی یک کشور خاص شده است (Begishev, ۲۰۲۱). تحمیل مسئولیت کیفری بر ربات‌ها، تولیدکنندگان، مربیان یا صاحبان ربات‌ها را از مسئولیت کیفری فردی آنها مبرا نمی‌کند. اولی توسط دومی زائد نمی‌شود. این امکان وجود دارد که هیچ انسانی به اندازه کافی در وادار کردن یک ربات به ارتکاب یک عمل نادرست اخلاقی خاص مقصر نباشد. علاوه بر این، تحمیل مسئولیت کیفری بر ربات‌ها ممکن است گاهی اوقات ارزش ابزاری مهمی داشته باشد، مانند کمک به شناسایی افراد مقصر و خدمت به عنوان یک دستگاه خود پلیسی برای افرادی که با ربات‌ها در تعامل هستند. در نهایت، رفتار با ربات‌هایی که شرایط ذکر شده در بالا را برآورده می‌کنند به عنوان عوامل اخلاقی، بسیار محتمل‌تر به نظر می‌رسد، اگر ما یک توضیح کمتر انسان محور از عاملیت اخلاقی را اتخاذ کنیم (Dobrinioiu, ۲۰۱۹). یکی از مسائل مهمی که همواره در حقوق جزا مورد بحث قرار گرفته است، موضوع مستی و تاثیر آن بر مسئولیت کیفری است. لذا استفاده از موادی که باعث زایل شدن عقل در کوتاه مدت شده و بعد از آن به وقوع جرم منجر

^۱ SOPHIA-BOT

^۲ David Hanson

^۳ Hanson Robotics

می‌شود در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. اما این موضوع در مورد ربات‌ها چگونه است؟ تعریف مستی در ربات چیست و اینکه آیا در قانونگذار به این مهم در مسئولیت کیفری ربات‌ها توجه کرده است؟ این مقاله با بررسی در قانون مجازات سعی می‌کند به این سوالات پاسخ دهد.

بخش دوم: حقوق ربات‌های هوشمند

یکی از پرکاربردترین اصطلاحاتی که در حوزه حقوق وجود دارد عبارات اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی است. شخص حقیقی به افراد و انسان‌های جامعه گفته می‌شود که در مقابل دیگران تکالیف و حقوقی دارد که باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام شود و ربط به سن خاصی ندارد. با تولد انسان آغاز می‌شود و با فوت او پایان می‌یابد (Gless, ۲۰۱۶). اشخاص حقوقی به شرکت‌ها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها و موسسات مختلف که دارای فعالیت‌های تجاری و غیرتجاری هستند، می‌گویند (Simmler, ۲۰۱۹). در واقع قانون برای شرکت‌ها شخصیت جداگانه در نظر گرفت تا حقوق و تکالیف برایش مشخص کند. حال سوال این است که هوش مصنوعی در کدام دسته جای می‌گیرد؟ آیا می‌شود گفت شخص حقوقی است؟ یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های بین اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی این است که شخص حقیقی ماهیت طبیعی دارد یعنی قابل مشاهده است. در حالی که شخص حقوقی فرضی و اعتباری است و ماهیت طبیعی ندارد. پس از این جهت ربات دارای هوش مصنوعی شبیه شخص حقیقی است، زیرا این ربات‌ها هم فیزیک دارند و هم قابل مشاهده هستند. لذا شخص حقوقی نمی‌توانند باشد. اما شخص حقیقی ویژگی‌های خاص دیگری هم دارد مثال پدر یا مادر می‌شوند. از هم ارث می‌برند که این خصوصیات در شخص حقوقی نیست و در ربات‌های دارای هوش مصنوعی هم نیست. پس رباتهای هوشمند نمی‌توانند شخص حقیقی هم باشند (Begishev et al., ۲۰۲۳). از آنجایی که آنها احساسات و عواطف ندارند و نمیتوانند رنج و ترس را تجربه کنند این استدلال مطرح می‌شود که ویژگی‌های ضروری برای زنده بودن را ندارند. بهر حال هوش مصنوعی بسیاری از این خصوصیات را در آینده‌های نه چندان دور خواهد داشت. پس بهتر است هرچه سریعتر به فکر اعطای شخصیت خاص و مستقل برای آن و سپس قانونگذاری باشیم تا از مشکلاتی که در صورت نادیده گرفتن هوش مصنوعی و اهمیت آن به وجود خواهد آمد، جلوگیری شود. با توجه به اینکه ربات‌های به طور کامل خودمختار و هوشمند چون به سطحی از خودمختاری رسیده‌اند که می‌توانند با درک

محیط اطراف و تحلیل داده‌ها تصمیم مناسب بگیرند، لذا می‌توان آنها را به عنوان شخص حقوقی در نظر گرفت و شخصیت حقوقی اعطا نمود (Charney, ۲۰۱۵).

درست است که احساسات ربات دارای هوش مصنوعی قابل مقایسه با انسان نخواهد بود اما باز هم باید برایش حقوق و تکالیف قائل شویم همانگونه که برای شخص حقوقی، حقوق و تکالیف قائل شدیم. چطور ممکن است برای شخص حقوقی که حتی ماهیت طبیعی و فیزیکی ندارد و توسط انسان‌ها اداره می‌شود و از خود هیچ احساسات و عواطفی ندارد و هیچ کنترلی بر اعمال خود ندارد، قانونگذاری شود و در صورت ارتکاب جرم از سوی یک شخص حقوقی، مسئولیت کیفری بر آن تحمیل شود. اما ربات دارای هوش مصنوعی که بنابر تعریفی که ارائه دادند مانند انسان فکر می‌کند، مانند انسان عمل می‌کند، منطقی فکر می‌کند و منطقی عمل می‌کند تا این حد نادیده گرفته شود؟ لذا وقتی ما این فناوری هوش مصنوعی را پذیرفیم و چنین سیستم‌هایی که می‌توانند کاملاً شبیه انسان‌ها رفتار کنند و مستقل شوند را وارد جامعه کردیم، پذیرش حقوق برای آن، امری اجتناب ناپذیر است (Dobrinou, ۲۰۱۹). در آوریل ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا پیش‌نویس دستورالعمل اخلاقی برای هوش مصنوعی قابل اعتماد مطرح کرد که مقرر می‌دارد که ربات دارای هوش مصنوعی باید با در نظر گرفتن احترام به حقوق بشر و با توجه به اصول احسان، عدم سوءنیت یا صدمه نزدن، خود مختاری و عدالت ساخته شود. ایده هوش مصنوعی قابل اعتماد ترکیبی از فنی بودن و اخلاقی بودن است. اخلاقی بودن به معنای احترام به اصول حقوق بشر و ارزش‌هاست و فنی بودن یعنی هوش مصنوعی از نظر فنی قوی و قابل اعتماد باشد. شخصیت حقوقی ربات دارای هوش مصنوعی می‌تواند در محدوده این تعریف قرار بگیرد (Charney, ۲۰۱۵). یکی از موضوعات این است که ما اغلب شخصیت حقوقی ربات دارای هوش مصنوعی را با این نظر که ربات‌ها باید مانند افراد جامعه شناخته شوند و حقوق بشر به آنها اعطا شود، خلط می‌کنیم. اما اعطای شخصیت حقوقی به ربات‌ها لزوماً به معنی اعطای حقوق بشر به آن نیست. حقوق بشر به راحتی می‌شود از حقوق شرکت‌ها و همچنین از حقوق ربات دارای هوش مصنوعی جدا باشد. تنها چیزی که اهمیت زیادی دارد اعطای حقوق به ربات دارای هوش مصنوعی است (Begishev et al., ۲۰۲۳).

بخش سوم: هوش مصنوعی و حقوق کیفری

در بین نظام حقوقی، نظام حقوقی کیفری به عنوان قدرتمندترین کنترل اجتماعی حقوقی مطرح است. همانطور که پیشرفت این هوش مصنوعی ترسی را در ذهن افراد ایجاد کرده است و این ترس مبتنی بر یک مبنای منطقی است که این هوش مصنوعی مشمول هیچ قانونی به خصوص در

پرونده‌های جنایی نیست. در گذشته همین ترس برای شرکت (شرکت) وجود داشت و از آنجایی که به شرکت شخصیت حقوقی اعطا شد، این ترس به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. به گفته گابریل هالوی که مقاله‌ای با عنوان "مسئولیت کیفری نهادهای هوش مصنوعی" نوشته است و در آن سه نوع مدل برای مسئول ساختن ربات‌ها (هوش مصنوعی) به شرح زیر معرفی کرده است (Begishev et al., ۲۰۲۳):

۱- مدل ارتکاب با مسئولیت دیگری.

۲- مدل مسئولیت پیامد احتمالی طبیعی.

۳- مدل مسئولیت مستقیم

این مدل‌ها را می‌توان به طور جداگانه اعمال کرد، اما گاهی اوقات شرایطی پیش می‌آید که ترکیبی از این مدل‌ها برای رسیدگی به مسئولیت کیفری مجاز باشد. قبل از بحث در مورد این مدل‌ها، بحث در مورد الزام عمومی مسئولیت کیفری ضروری است. همانطور که می‌دانیم حقوق جزا بر دو عنصر اصلی استوار است، اول عنصر واقعی که می‌توان آن را رفتار مجرمانه نامید و دوم، عنصر ذهنی که به عنوان ذهن مجرمانه نامیده می‌شود. عنصر رفتار مجرمانه شامل فعل یا ترک معینی (عدم عمل) است و عنصر ذهنی مستلزم آگاهی یا آگاهی است. آنهایی که در آن مردان عقل فقط مستلزم سهل انگاری است ("یک فرد معقول می‌دانست"). و جرایم مسئولیت سخت، که برای آنها نیازی به اثبات وجود ندارد. هیچ الزام دیگری برای تحمیل مسئولیت کیفری برای انسان‌ها و همچنین برای سایر نهادها از جمله ربات‌ها لازم نیست. اگر طوطی را مثال بزنیم، طوطی می‌تواند هر چیزی را که از ما می‌شنود یا یاد می‌گیرد تکرار کند، اما در فرمول‌بندی هیچ عنصر ذهنی که برای افترا لازم است ناتوان است. بنابراین می‌توان گفت که هر نهادی در صورت اثبات خاص این دو عنصر می‌تواند مسئولیت کیفری داشته باشد. مدل‌های ارائه شده توسط گابریل هالوی را می‌توان بیشتر توضیح داد (Charney, ۲۰۱۵):

بخش چهارم: ارتکاب با مسئولیت دیگر

این مدل فرض می‌کند که ربات هیچ ویژگی انسانی ندارد و چنین موجودی رباتیک به عنوان عامل بی‌گناه در نظر گرفته می‌شود. بنابراین مقایسه هوش انسانی با هوش رباتیک غیر منطقی است. بنابراین از نظر هرگونه فعالیت مجرمانه، قابلیت‌های ربات‌ها را می‌توان به موازات توانایی‌های هر کودک و فرد ناتوان ذهنی که فاقد وضعیت ذهنی جنایی

است، در نظر گرفت. از هر جرمی وقتی در مورد مسئولیت کیفری افراد محدود ذهنی (به عنوان موازی با ربات ها) صحبت می کنیم، بخش ۸۴ قانون پانل هند مقرر می دارد که "هیچ چیزی جرم نیست که توسط شخصی انجام شود که در زمان انجام آن به دلیل دلیل انجام شود. از نابخردی عقل، از شناخت ماهیت عمل ناتوان است یا کاری را انجام می دهد که اشتباه یا خلاف قانون است." به این معنی است که یک بیمار روانی به خاطر جرم خود مجازات نمی شود، زیرا او فاقد اراده، هوش و علم به عمل است. در مورد ربات ها می توان گفت که اگر ربات ها مرتکب جرمی شوند، به عنوان مرتکب از طریق دیگری مسئول است. در این شرایط ربات ها صرفاً ابزار یا واسطه هستند و شخصی که پشت سر آن کار می کند یا کنترل می کند، مرتکب واقعی تخلفات است و در برابر همه رفتارها پاسخگو است. حال این سوال منطقی در اینجا قابل طرح است که مرتکب از طریق دیگری کیست؟ در مورد ربات ها، برنامه نویس و کاربر دو نفره می توانند وجود داشته باشند. یک طرف برنامه نویسی که نرم افزار کامپیوتری را در ربات ها نصب کرده و ربات ها را برای انجام فعالیت خاصی طراحی کرده است، ممکن است برای انجام هر گونه فعالیت مجرمانه، چنین نرم افزاری را در ربات ها نصب کند، در این شرایط ربات مرتکب تخلف شده است اما برنامه نویس به عنوان مرتکب در نظر گرفته می شود. طرف دیگر، کاربری که چنین ربات هایی را خریداری می کند، می تواند از آن به نفع خود حتی برای ارتکاب هر عمل مضر به دیگران استفاده کند. در اینجا ربات ها را می توان سگی (حیوان خانگی) دانست که به دستور ارباب خود عمل می کنند، بنابراین در صورت انجام هرگونه عمل مضر توسط حیوان خانگی (ربات)، ارباب (کاربر) مرتکب تلقی می شود. در هر دو سناریو تخلف توسط ربات ها انجام شده است نه توسط برنامه نویس و کاربر. ربات ها به عنوان ابزاری برای ارتکاب هر جرمی عمل می کنند، مانند زمانی که یک دزد از کلید اصلی یا هر ابزار دیگری برای ارتکاب سرقت استفاده می کند، آن کلید اصلی مسئول آن سرقت نیست، بلکه شخصی که قصد مجرمانه را اجرا می کند مسئول آن جرم خاص خواهد بود. این مدل به این فکر می کند که فعالیتی که توسط نهاد هوش مصنوعی انجام می شود، به گونه ای که گویی برنامه نویس یا اقدام کاربر بوده است. بنابراین می توان گفت هیچ ویژگی ذهنی لازم برای تحمیل مسئولیت کیفری به

نهاد هوش مصنوعی نسبت داده نمی شود. این مدل برای آن نهاد ربایکی که برای کار دیگری طراحی شده است اما با این وجود مرتکب هر عمل مجرمانه ای شده است مناسب نیست (Charney, ۲۰۱۵).

بخش پنجم: مدل مسئولیت پیامدهای احتمالی طبیعی

این مدل برای شرایطی مناسب است که ربات‌ها مرتکب تخلف شده‌اند در حالی که برنامه‌نویس یا کاربر از آن اطلاعی نداشته، قصد آن را نداشته و در آن شرکت نکرده است. عواقب طبیعی و احتمالی که ممکن است توسط ربات‌ها مرتکب شود. مدل مسئولیت پیامد احتمالی طبیعی در دو نوع پرونده واقعی اعمال می شود. اولین شرایط این است که وقتی برنامه نویس یا کاربر می تواند در هنگام استفاده از موجودیت ربایک مسئول سهل انگاری باشد، حتی اگر ذهنیت مجرمانه ای برای ارتکاب جرم نداشته باشد. بنابراین در صورت سهل انگاری، می توان آزمون پیش‌بینی پذیری معقول را اعمال کرد که مقرر می‌دارد شخص می‌تواند در قبال هر رفتاری که به طور معقول قابل پیش بینی باشد، مسئول شناخته شود. اگر برنامه نویس یا کاربر بتواند عواقب معقول ربات‌ها را پیش‌بینی کند، مسئول آن خواهد بود. پرونده نوع دوم شبیه ایده اصلی مسئولیت پیامد احتمالی طبیعی در موارد مسئولیت شریک است. به عنوان مثال یک برنامه نویس یک ربات را به منظور سرقت طراحی می‌کند و او آن را برای کشتن کسی برنامه‌ریزی نکرده است. ربات در حین سرقت اقدام به قتل شخصی کرده است. در این شرایط، سهل انگاری مجرمانه به تنهایی کافی نیست، به همین دلیل این مدل بیشتر پیش‌بینی می‌کند که وقتی برنامه نویس آگاهانه از هر موجود ربایکی برای ارتکاب سرقت استفاده می‌کند، اما ربات از نقشه خود منحرف شده و مرتکب هر کاری می‌شود. علاوه بر جرم برنامه ریزی شده، برنامه نویس یا کاربر باید مسئول سرقت و همچنین قتل باشد. این سوال همچنان باقی است: وقتی این مدل به کار می‌رود مسئولیت کیفری خود ربات‌ها چقدر باید باشد؟ دو نتیجه ممکن دارد اول اینکه اگر ربات بدون اطلاع از منع کیفری بی گناه عمل کرده و مرتکب هر جرمی شده باشد، مسئولیتی در قبال آن جرم نخواهد داشت. در حالت دوم، اگر ربات علاوه بر مسئولیت کیفری برنامه نویس یا کاربر، آگاهانه عمل کرده باشد، خود مستقیماً مسئول آن جرم خاص خواهد بود (Charney, ۲۰۱۵).

بخش ششم: مدل مسئولیت مستقیم

مدل مسئولیت مستقیم به هیچ برنامه نویس و کاربر خاصی بستگی ندارد. این مدل فقط بر موجودیت هوش مصنوعی تمرکز دارد. همانطور که در بالا گفته شد، هر شخصی که الزامات

رفتار مجرمانه و ذهنی را برآورده کند، مسئولیت کیفری خواهد داشت. اما سوال واقعی این است که آیا این نهادهای هوش مصنوعی الزامات مسئولیت کیفری را برآورده می‌کنند؟ با این حال، تا آنجا که به الزامات عمومی خارجیمربوط می‌شود، می‌توان آن را به راحتی به ربات‌ها نسبت داد. به عنوان مثال ربات‌ها از قطعات مکانیکی یا بازوهای هیدرولیک آن استفاده می‌کنند و در حین استفاده از آن مرتکب حمله یا اشتباه خاصی می‌شوند و یا گاهی اوقات به دلیل نقص (قصور) هیچ فعالیتی را انجام نمی‌دهند، این فعالیت یا عدم انجام عمل تحت الزام ذهنی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، نسبت دادن عنصر ذهنی در ربات‌ها دشوار است. تنها الزامات ذهنی مورد نیاز برای تحمیل مسئولیت کیفری عبارتند از علم، عمد، سهل انگاری و غیره، همانطور که در جرم خاص و بر اساس نظریه عمومی حقوق جزا مورد نیاز است. دانش به عنوان دریافت حسی داده‌های واقعی و درک واقعی تعریف می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که ربات‌ها نیز این توانایی را دارند که داده‌ها را به صورت صدا، تصویر، لمس و تفسیر داده‌ها دریافت کنند. همانطور که انسان داده‌ها را از طریق گوش، چشم، بینی و غوغا درک می‌کند مطابق با آن عمل می‌کند. در صورت توانایی دانش، انسان و ربات هر دو مشابه هستند (Charney, ۲۰۱۵).

بخش هفتم: تعریف مستی ربات‌ها

دو ماده از مواد قانون مجازات اسلامی در مورد ارتکاب جرم در حالت مستی است، ماده ۱۵۴ که اختصاص به جرم خاصی ندارد و ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی که اختصاص به جرم مستوجب قصاص جنایت دارد. در خصوص اینکه آیا مستی به عنوان یک قاعده عمومی در حقوق ایران موجب رفع مسئولیت کیفری می‌شود یا خیر باید گفت مسئولیت کیفری دو رکن دارد یکی قدرت تشخیص و دیگری آزادی اراده که هر کدام منتفی شود مسئولیت کیفری نیز منتفی خواهد شد و مستی نیز موجب منتفی شدن قدرت تشخیص و آزادی اراده است بنابراین مسئولیت کیفری هم از بین می‌رود حتی اگر در قانون بیان نشده باشد و این یک قاعده عمومی است. مستی حالت روانی است که تحت تاثیر داخل شدن ماده‌ای در جسم و به ویژه در سیستم مغز قدرت تشخیص و کنترل ارادی از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود مستی یک حالت موقتی است و اگر چهره دائمی پیدا کند نقصان عقلانی به حساب خواهد آمد و حالتی است که ریشه در جسم ندارد بلکه منشاء آن عوامل خارجی است که وارد جسم می‌شوند، بنابراین اگر اختلال در فعالیت اعضای بدن سبب سلب قدرت تشخیص و اختیار اراده شود، مستی نامیده نمی‌شود برای ایجاد حالت مستی آنچه مهم است به وجود آمدن این حالت می‌باشد. بنابراین نوع ماده‌ای که سبب مستی می‌شود و نحوه

استفاده از آن تاثیری ندارد هر چند در نوشته های فقهی مواد خاصی مانند خمر و آبخو و آب انگور به عنوان مصادیق مسکرات و بیان شده است و حتی مواد مخدر نیز اگر اثر مسکر را داشته باشد دارای همین حکم خواهد بود. مستی یکی از حالت هایی است که موجب سلب اختیار و قدرت تشخیص می شود و جنبه حصری ندارد. بنابراین هرگونه حالت بی ارادگی مشمول همین حکم است، یعنی حالتی که تشخیص و آزادی اراده از بین می رود و این حالت ناشی از بیماری جسمی و روانی شخص نیست با وجود این حالت هایی مانند بی ارادگی ناشی از مصرف مواد مخدر، بی ارادگی ناشی از خواب مغناطیسی نیز می تواند با حصول شرایط مذکور در ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی عامل رفع مسئولیت کیفری باشد اگر چه که در ماده ۱۵۴ و ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی تصریحی جهت شرایط مستی وجود ندارد، اما از مفهوم این مواد و قواعد عمومی می توان شرایط مستی را که مانع مسئولیت کیفری است به دست آورد. حال اگر همین موضوع در ربات ها پیش آید. فرض کنید رباتی برای کوتاه مدت هوش خود را زایل کرده به طوری که در این حالت مرتکب به جرم شده باشد. سوال این است که مسئولیت کیفری ربات ها در این حال چگونه خواهد. در این حالت دو موضوع وجود دارد: غیر عمدی بودن مستی توسط ربات و عمدی بودن آن توسط هوش مصنوعی خود.

عبارت (لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود) در ماده ۱۵۴ و عبارت (لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلا خود را برای چنین عملی مست کرده یا علم داشته است) در ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی بیانگر آن است که مستی در صورتی رافع مسئولیت کیفری می باشد که ایجاد آن به صورت عمدی نباشد. حال اگر این غیر عمدی بودن از طرف انسانی بر ربات تحمیل شده باشد که مسئولیت کیفری جرم بر عهده انسان است. حال اگر رد پای انسانی وجود نداشته باشد و ثابت شد که ربات نیز غیر عمدی مست شده است، مسئولیت کیفری جرم رفع می شود.

ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی به عامل اکراه به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری پرداخته است در این ماده آمده است (هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد در جرایم موجب تعزیر اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوطه رفتار می شود) در این ماده اشاره به تفکیک میان اجبار مادی یا معنوی نشده در حالیکه در ماده ۵۴ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و نیز ماده ۳۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۴ چنین تفکیکی را به عمل آورده بود ماده ۵۴ آورده بود (در جرایم موضوع مجازات های تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرم می گردد مجازات نخواهد شد). ماده ۳۹ مقرر می داشت (هرگاه کسی بر اثر اجبار مادی یا معنوی که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرم می گردد مجازات نخواهد شد در این مورد اجبار کننده به مجازات آن جرم محکوم می گردد). اکراه و اجبار از این جهت رافع مسئولیت کیفری است که آزادی اراده را سلب می کند اما لطمه ای به قدرت تشخیص و تمیز وارد نمی کند اکراه مادی اراده را به کلی از بین می برد، اما اکراه معنوی آن را معیوب می سازد و کاهش می دهد.

حال سوال اینجاست که در صورت اینکه ثابت شود ربات به هدف ارتکاب جرم مست شده است و علل ارتکاب جرم نیز مستی بوده است چگونه مجازات می شود:

۱- مجازات سلب حیات

مبنای توجیه کننده این مجازات، سزادهی است که طبق آن، رنجی مساوی با رنجی که بزهکار به بزه دیده وارد کرده است باید به وی تحمیل شود. بازدارندگی هم می تواند این مجازات را توجیه کند ولی از جهت بازدارندگی دیگران، نه بزهکار. زیرا فردی که زنده نیست بازدارندگی نسبت به او بی معنا است. بازپروری نیز کاملاً به اجرای این مجازات غیر مرتبط است. چرا که بازپروری نسبت به فردی که حیات ندارد اعمال نمی شود و از آنجا که رویکرد سزادهی و بازدارندگی به سیستم های دارای هوش مصنوعی مربوط نمی شوند و همچنین رویکرد بازپروری با مجازات سلب حیات تناسب ندارد، تنها ملاحظات کلی که این مجازات را برای سیستم های دارای هوش مصنوعی توجیه می کند، ناتوانسازی است. حال چگونه می شود مجازات سلب حیات برای هوش مصنوعی اجرا شود؟ ابتدا باید معنی مجازات سلب حیات را تحلیل کنیم. یعنی به دنبال اهداف و ریشه های این مجازات تا آنجا که مربوط به هوش مصنوعی می شود، باشیم و در نهایت مجازات را با اهداف آن تطبیق دهیم. عمال این مجازات، محرومیت از حیات است. زمانی که یک بزهکار، یک شخص حقوقی یا یک سیستم دارای هوش مصنوعی باشد حیات با فعالیت های آنها تعریف می شود. یک سیستم زنده سیستمی است که فعال است. توقف فعالیت های سیستم لزوماً به معنی مرگ سیستم نیست. مرگ سیستم یعنی خاموشی دائمی آن به گونه ای که هیچگونه فعالیت و ارتکاب جرمی از سیستم انتظار نمی رود. هنگامی که سیستم هوش مصنوعی به دستور دادگاه

خاموش می‌شود به این معناست که جامعه فعالیت آن را ممنوع کرده است زیرا ادامه فعالیت وی برای جامعه خطرناک است. این موضوع که مجازات سلب حیات هوش مصنوعی ممکن است باعث ضرر سازنده یا طراح یا کاربر آن بشود هم مسئله قابل توجهی نیست، چرا که با مجازات سلب حیات برای یک انسان هم قطعاً خانواده او دچار غم و اندوه می‌شوند و این به منزله مجازات آنهاست یا در رابطه با شخص حقوقی هم مجازات انحلال شخص حقوقی مانند سلب حیات آن است و قطعاً به افراد مرتبط مانند سهامداران یک شرکت ضرر وارد می‌شود و از آنجایی که در نهایت برای انسان‌ها و اشخاص حقوقی این مجازات اعمال شد، برای هوش مصنوعی هم صرف نظر از ورود ضرر به سایرین قابل اعمال است (Hallevy, ۲۰۱۰).

۲- حبس

حبس یک اصطلاح کلی است که برای چندین کیفر به کار می‌رود و ویژگی این مجازات‌ها این است که بزه‌کار را از آزادی محروم می‌کند. زندانی شدن فیزیکی تنها یک نوع و البته رایج‌ترین نوع آن است. برای مثال تحت شرایط خاص خدمات عمومی رایگان می‌تواند به عنوان حبس عمل کند. هدف از اعمال مجازات حبس، تحمیل درد و رنج و سزادهی به بزه‌کاران است که هوش مصنوعی به دلیل ماشینی بودن قادر به تحمل درد و رنج نیست اما می‌شود جور دیگر این مجازات را تحلیل کرد و هدف دیگری برای اعمال آن بر هوش مصنوعی یافت. مجازات حبس برای انسان‌ها علاوه بر تحمیل درد و رنج به آنها، مانع ارتکاب جرم بیشتر می‌شود. همچنین زندانیان در طول مدتی که در زندان هستند مشغول به یادگیری انواع شغل‌ها و حرف می‌شوند، اعتیاد را ترک می‌کنند، خواندن و نوشتن یاد می‌گیرند و در مجموع تجربه‌های شغلی بیشتری کسب می‌کنند که این باعث می‌شود بعد آزاد شدن از زندان هم به سمت شغل‌هایی که آموخته‌اند بروند و کمتر سراغ ارتکاب جرم بروند. همین دو هدف را می‌توان برای اعمال مجازات حبس بر سیستم‌های دارای هوش مصنوعی در نظر گرفت. به این شکل استدلال شود که: اولاً هوش مصنوعی مدتی که در زندان است، با اینکه درد و رنجی تحمل نمی‌کند اما از فعالیت‌های مورد علاقه خود در بیرون از زندان محروم می‌شود. در طول مدتی که در زندان است نمیتواند تحت نظارت دادگاه و سیستم در مدت حبس جرمی مرتکب شود. آزادی عملکردش محدود می‌شود. لذا توانایی‌اش برای ارتکاب جرم سلب می‌شود. ثانیاً همانطور که انسان‌های بزه‌کار در طول مدت حبس تجربیات شغلی کسب می‌کنند و رفتارهای پرخطرانه و اعتیاد را ترک می‌کنند، ربات‌های بزه‌کار هم می‌شود تعمیر

شوند تا در آینده بهتر عمل کنند. پس در نتیجه، هدف بازپروری و ناتوان‌سازی با اعمال این مجازات بر هوش مصنوعی محقق می‌شود (Hallevy, ۲۰۱۰).

۳- تعلیق مراقبتی اجرای مجازات

برای اعمال این مجازات بر هوش مصنوعی هم اول باید دادگاه بررسی کند که آیا این سیستم دارای هوش مصنوعی قابلیت اصلاح دارد یا ندارد. در مورد انسان‌های بزهکار، ماموران نهاد تعلیق مجازات و مددکاران اجتماعی و روانشناسان و روانپزشکان بررسی می‌کنند که آیا این فرد بزهکار قابلیت بازپروری دارد یا ندارد. اما در رابطه با سیستم‌های دارای هوش مصنوعی باید مهندسان و کارشناسان فنی بررسی کنند و نظر بدهند. اگر آنها تشخیص دهند که این سیستم دارای هوش مصنوعی قابل اصلاح است، این مجازات بر آن قابل اعمال است اما اگر نظر منفی دهند آنوقت باید سراغ مجازات‌هایی با هدف ناتوانسازی برویم. زیرا در این موارد، هدف بازپروری محقق نمی‌شود و فقط همین دو هدف برای مجازات هوش مصنوعی قابل تصور است و در مورد این دو هدف هم بازپروری اولویت دارد. زیرا در اصل هدفمان این است که مجرم اصلاح شود و این هدف برای تمام بزهکاران است (اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی، اشخاص الکترونیکی) (Hallevy, ۲۰۱۰).

۴- خدمات عمومی رایگان

این فعالیت اجتماعی رایگان هم به سود جامعه است و می‌شود گفت خسارت آن جرم نیز جبران می‌شود. همچنین سیستم دارای هوش مصنوعی با انجام مشاوره‌ها و درمان‌های بیشتر تجربیات بیشتری کسب می‌کند و از طریق یادگیری ماشینی، عملکردش بهبود می‌یابد. در نتیجه این مجازات یادگیری ماشینی، عملکردش بهبود می‌یابد. هدف را محقق می‌کند و هم قابل اعمال بر هوش مصنوعی است.

۵- جزای نقدی

شاید بشود گفت که در صورتی که ربات مشغول به کار است (به طور مثال در حوزه پزشکی فعالیت می‌کند) دادگاه برایش قسط‌بندی کند تا در ظرف مدتی بتواند با درآمدش این مبلغ را پرداخت کند. اما به طور کلی مهمترین نکته این است که حتما باید برای ربات‌های هوش مصنوعی دارایی در نظر گرفته شود تا از آن راه جبران خسارت صورت بگیرد. مانند اشخاص حقوقی که دارایی دارند، هوش مصنوعی هم باید صاحب دارایی باشد. هیچ فرقی میان این دو

نیست. حال اگر یک ربات دارای هوش مصنوعی دارایی نداشته باشد، باید بیمه شود توسط هر کسی که نفع می برد یعنی هر شخصی که مستقیماً در عملکرد یک ربات مشارکت داشته باشد. در این صورت هر خسارتی که از اقدام هوش مصنوعی ناشی شود، دیه و خسارت و حتی جزای نقدی را می شود از طریق بیمه پرداخت کرد (Hallevy, ۲۰۱۰).

نتیجه گیری

توسعه سریع فناوری هوش مصنوعی مانند ربات ها، نگرانی های حقوقی جدیدی را در سراسر جهان ایجاد کرده است. این مشکل جدید باید با راه حل قانونی جدید حل شود. راه حل ارائه شده در این مورد این موضوع برای رسیدگی به تمام مسائل حقوقی مربوط به این نهاد هوش مصنوعی کافی نیست، اما قوانین وضع شده یک چیز را کاملاً روشن می کند که مسئولیت کیفری می تواند برای هر شخص انسانی، شرکتی یا نهاد هوش مصنوعی تحمیل شود، در صورتی که تمام الزامات آن باشد. برآورده شد. قوانین موجود در سطح ملی و بین المللی نیاز به بازنگری دارند و راه حل های قانونی جدید باید ترسیم شود تا مسائل حقوقی مربوط به نهادهای هوش مصنوعی منحنی شود. هدف اصلی این مقاله بررسی عامل رافع مسئولیت کیفری مستی در قبال هوش مصنوعی ربات هاست. در این تحقیقی ابتدا حالت مستی ربات ها تعریف شده و دو حالت عمدی و غیر عمدی بودن طبق قانون مجازات اسلامی بررسی شد. سپس انواع مجازات ها برای ربات ها تشریح گردید. نتایج نشان داد که مستی ربات ها زمانی می تواند رافع مسئولیت کیفری شود که ربات به صورت غیرارادی هوش خود را به طور موقت زایل کرده باشد و در این حین دچار جرمی شده باشد که از مستی ناشی شده است. حال اگر ثابت شود مستی ربات از طرف عامل انسانی انجام شده است، کلیه مسئولیت کیفری به عهده عامل انسانی خواهد بود.

۱. Begishev, I. R. (۲۰۲۱). Criminal law regulation of robotics: results of a sociological study. *Sociopolitical sciences*, ۱۱(۴), ۸۲-۹۱.
۲. Begishev, I. R. , Kirillov, M. A. , Bersei, D. D. , Nechaeva, E. V. , Perepelkin, V. I. , Serkova, T. V. , . . . & Narimanova, N. R. (۲۰۲۳, March). Robotics, artificial intelligence and criminal law: An overview of contemporary studies. In *AIP Conference Proceedings* (Vol. ۲۷۰۱, No. ۱, p. ۰۲۰۰۳۳). AIP Publishing LLC .
۳. Charney, R. (۲۰۱۵). *Can Androids Plead Automatism-A Review of When Robots Kill: Artificial Intelligence under the Criminal Law by Gabriel Hallevy* .
۴. Dobrinoiu, M. (۲۰۱۹). The influence of artificial intelligence on criminal liability. *LESIJ-Lex ET Scientia International Journal*, ۲۶(۱), ۱۴۰-۱۴۷.
۵. Dobrinoiu, M. (۲۰۱۹). The influence of artificial intelligence on criminal liability. *LESIJ-Lex ET Scientia International Journal*, ۲۶(۱), ۱۴۰-۱۴۷.
۶. Gless, S. , Silverman, E. , & Weigend, T. (۲۰۱۶). If robots cause harm, who is to blame? Self-driving cars and criminal liability. *New Criminal Law Review*, ۱۹(۳), ۴۱۲-۴۳۶.
۷. Hallevy, G. (۲۰۱۰). I, Robot-I, criminal: When science fiction becomes reality: Legal liability of AI robots committing criminal offenses. *Syracuse Sci. & Tech. L. Rep.* , ۱ .
۸. Hallevy, G. (۲۰۱۰). The criminal liability of artificial intelligence entities-from science fiction to legal social control. *Akron Intell. Prop. J.* , ۴, ۱۷۱ .
۹. Hallevy, G. (۲۰۱۳). When robots kill: Artificial intelligence under criminal law. *UPNE* .
۱۰. Osmani, N. (۲۰۲۰). The complexity of criminal liability of AI systems. *Masaryk University Journal of Law and Technology*, ۱۴(۱), ۵۳-۸۲.

۱۱. Simmler, M. , & Markwalder, N. (۲۰۱۹, March). Guilty robots?—rethinking the nature of culpability and legal personhood in an age of artificial intelligence. In *Criminal Law Forum* (Vol. ۳۰, pp. ۱-۳۱). Springer Netherlands .